

روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری صاد
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی
دبیر تحریریه: امیر افشار فتوحی

www.rooznamehsaba.com
rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶۰-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

گفت و گوی
صبا با «سونیا
اسماعیلی»، بازیگر
فیلم سینمایی
«چای سرد»

آینه‌ای از

زندگی واقعی

زنان



آماده شدید؟

سعی کردم زندگی زنان اطرافم را دقیق‌تر ببینم. مادران، خواهران و زنانی که در عین خستگی، همیشه کارها را پیش می‌برند و مسئولیت پذیرند. جزییاتی مثل طرز نگاه کردنشان وقتی ناامیدند یا انرژی‌ای که برای کنترل اوضاع می‌گذارند و اضطرابی که دارند اما مجبورند بعضی جاها پنهانش کنند، الهام‌بخش من شد. علاوه بر آن، تمرین‌های طولانی مدتی با کارگردان داشتیم. آقای راضی روی ریتیم، لحن و حتی کوچک‌ترین واکنش‌ها اصرار داشتند. برای من آماده شدن فقط حفظ کردن دیالوگ نبود؛ باید یاد می‌گرفتم چطور در بدن و ذهن محبوه زندگی کنم.

چه نکته یا خصیصه‌ای در این فیلم الهام‌بخش شما در طول مسیر کار بوده؟

الهام‌بخش‌ترین چیز برایم، تقابل و چندی‌گه‌گی قصه بود. از یک طرف زنی که زیر بار مسئولیت‌ها خسته و خمیده شده و از طرف دیگر مردی که بین فشار خانواده و آرزوهای شخصی خود، گیر افتاده است. این نگاه چندوجهی باعث شد حس کنم این فیلم فقط یک داستان شخصی نیست، بلکه آینه‌ای از زندگی واقعی خیلی‌هاست. همین عوامل موجب شد در طول مسیر، حتی وقتی خسته بودم، با تمام وجود ادامه بدم.

گویا شما از بین حدود ۸۰ نفر برای بازی در این نقش انتخاب شدید. از این انتخاب چه حسی دارید؟ اولین برخوردتان با کارگردان چگونه بود؟

بله، وقتی برای تست اولیه رفتم، انتظار داشتم یک دورخوانی معمولی داشته باشم اما آقای راضی همان لحظه متن را دادند و گفتند همین‌جا بخوان و تحلیل خودت را بگو. برایم خیلی جالب بود، چون از ابتدا مشخص شد ایشان دنبال چیزی فراتر از حفظ دیالوگ هستند! می‌خواستند ببینند نگاه و درک من نسبت به شخصیت و قصه چیست. این‌که از بین ۸۰ نفر انتخاب شدم، برایم افتخار بزرگی است اما در عین حال مسئولیت سنگینی بود، چون نشان می‌داد آقای راضی چیزی در من دیده‌اند که شاید در بقیه ندیده بودند و من باید تمام تلاشم را می‌کردم تا اعتمادشان را جبران بکنم. از این‌رو تمام فشارها و سخت‌گیری‌ها را به جان خریدم و سعی کردم با تمام توان در نقش زندگی کنم.

فکر می‌کنید فیلم «چای سرد»، چه جایگاهی در سینمای ایران خواهد یافت؟

آیا پرداختن به چنین سوزهای در سینمای ما ضرورت دارد؟
بله، قطعاً، چون این فیلم به موضوعی می‌پردازد که در بسیاری از خانواده‌ها وجود دارد: تقسیم نابرابر مسئولیت‌ها، نادیده گرفته شدن تلاش‌های زنان و در عین حال فشار و دغدغه‌های مردان. سینمای ایران وقتی ارزشمند می‌شود که آینه زندگی روزمره باشد. «چای سرد» این کار را می‌کند. تماشاگر خودش و اطرافش را در قصه می‌بیند و این یعنی فیلم اثرگذار است.

سونیا اسماعیلی، فارغ‌التحصیل رشته بازیگری در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر تهران، پیش از بازی در فیلم «چای سرد»، در دو فیلم دیگر نیز به کارگردانی میثم صابری‌نسب و نادر تکمیل‌همایون بازی داشته که در آنها نقش‌های کوتاهی را بر عهده داشته اما «چای سرد» به نویسندگی و کارگردانی امیر قاسم راضی، نخستین تجربه جدی او به عنوان نقش اصلی زن در یک فیلم است؛ فیلمی که پس از دو سال توقیف، به تازگی موفق به کسب مجوز اکران در گروه سینمایی هنر و تجربه شده؛ گرچه اسماعیلی تجربه ایفای نقش در ۱۴ فیلم کوتاه و سابقه کارهای تصویری را هم دارد. این بازیگر که در تئاتر هم با کارگردانان متعددی همکاری داشته، این روزها مشغول تمرین نمایش «مجمعه‌ها» است. به بهانه آغاز اکران فیلم «چای سرد» در گروه هنر و تجربه، با سونیا اسماعیلی گپ وگفتی داشتیم.

امیر پارساییان مهر
گفت و گو

اضطراب همیشگی همراه اوست، ولی خودش و زحماتش در خیلی از جاها نادیده گرفته می‌شود.

اشاره کردید آقای راضی کارگردان سخت‌گیری بودند. پروسه تمرین‌ها با ایشان چگونه بود؟

بله، واقعیت این‌ست که همکاری با آقای راضی تجربه خاصی بود. ایشان کارگردان بسیار دقیق و سخت‌گیری هستند و به کوچک‌ترین جزییات توجه دارند. ما حدود یک ماه‌ونیم درگیر تمرین‌ها و فیلم‌برداری بودیم. در این مدت فشار زیادی روی گروه بود تا به استانداردی برسیم که کارگردان در ذهن داشت. برای من شخصاً این فشار بسیار سازنده بود، چون فضای پر تنش و اضطرابی که شخصیت «محبوبه» در فیلم تجربه می‌کرد، عملاً در طول تمرین‌ها نیز وجود داشت و من توانستم از همین فضا برای نزدیک شدن به نقش استفاده کنم. تمرین‌ها شامل تحلیل دقیق صحنه‌ها، تکرارهای فشرده و حتی کار روی واکنش‌های بدنی و تنش‌های ریز بود. آقای راضی به من فرصت دادند تا نه فقط دیالوگ‌ها را اجرا بکنم، بلکه با تمام وجود در تنش‌ها و اضطراب‌های شخصیت غرق بشوم. این سخت‌گیری‌ها باعث شد در نهایت بتوانیم به لحظه‌هایی برسیم که واقعاً سخت بودند، ولی همین سختی بر کیفیت کار افزود.

سخت‌ترین موقعیت بازی در این فیلم، برای شما کدام لحظه بوده؟

سخت‌ترین موقعیت، صحنه‌ای بود که بعد از چند تماس بی‌جواب، با اضطراب به خانه برمی‌گردم و مادرم و بچه‌ام را روی زمین می‌بینم. باید هم ترس و نگرانی عمیق را نشان می‌دادم، هم شوک و خشم فروخورده‌ای را که زن در آن لحظه تجربه می‌کند. این صحنه چند بار تکرار شد تا دقیقاً به حس برسیم که کارگردان می‌خواست و هر بار برای من مثل عبور از یک تونل تاریک بود. این صحنه از نظر تکرار بار عاطفی، بسیار خسته‌کننده اما در عین حال تجربه پرباری برایم بود.

وقتی بازی در فیلم «چای سرد» را پذیرفتید، برای رسیدن به نقش چطور

ابتدا کمی درباره نقش‌تان، حس و تجربه بازیگری در فیلم «چای سرد» بگویید.

فیلم «چای سرد» اولین تجربه من به عنوان نقش اصلی زن در یک فیلم سینمایی‌ست. این فیلم نقطه عطفی در مسیر کاری‌ام بود و شروع خیلی مهمی به حساب می‌آید. در این فیلم نقش زنی را بازی می‌کنم که مسئولیت‌های زیادی بر عهده دارد، یعنی باید هم از بچه مراقبت کند، هم اسباب‌کشی را مدیریت کند، هم به مادرش رسیدگی کند و هم با کارگرها سرو و کله بزند و... در عین حال مجبور است سر کار برود و بار بخشی از مسئولیت‌های خانه را به دوش بکشد. این تجربه برایم خیلی پرچالش بود، چون باید طیف وسیعی از احساسات، از خشم و اضطراب گرفته تا دل‌سوزی و فروپاشی درونی را نشان می‌دادم. چیزی که برایم جالب بود این‌که در نگاه کارگردان، مرد خانواده هم در فشار بود، چون از یک طرف باید نیازهای اطرافیان مثل همسر، دختر، دایه و مادر بزرگش را برطرف بکند و از سوی دیگر باید مستند خودش را برای اکران آماده بکند. همین کشمکش دوطرفه، فضای قصه را واقعی‌تر و انسانی‌تر کرده بود. تجربه من از این نقش خیلی عمیق بود، چون باید تمام این تضادها و استیصال‌ها را نشان می‌دادم.

برای رسیدن به این نقش چه ویژگی‌هایی بیش‌تر توجه‌تان را جلب کرد؟ فیلم‌نامه، کارگردان یا شخصیتی که بازی می‌کردید؟

در واقع همه این موارد دست به دست هم دادند. فیلم‌نامه خیلی دقیق نوشته شده بود و شخصیت‌ها را زنده می‌کرد. آقای راضی به عنوان کارگردان به شدت سختگیر بودند؛ کوچک‌ترین حرکت یا حس باید دقیقاً همانی می‌بود که ایشان می‌خواست. شخصیت زن فیلم‌نامه، خیلی زنده و ملموس بود و همان‌طور که گفتم، کارگردان سختگیر بود و کوچک‌ترین جزییات را رها نمی‌کرد. من از دو جهت هدایت می‌شدم؛ متن قوی و کارگردانی دقیق اما در نهایت خود شخصیت زن بود که تعیین‌کننده شد؛ زنی که شبیه به خیلی از زنان اطراف ماست، زنی که هم‌زمان باید مادر، همسر و مراقب باشد و یک



شاکر